



“هو العلیم”

سخن سردبیر:

نقش حاکمیت حقوق عاطفی در خانواده

بر سلامت زیستی و روانی فرزندان

شاکله اصلی شخصیت انسان در کانون خانواده شکل می‌گیرد. از منظر ارزش‌های قرآنی شخصیت مطلوب انسان به مثابه شجره طیبه‌ای است که یک تعادل زیبا در پیکره و شاخه‌های پرشکوفای آن به روشنی مشهود است. ریشه‌های رشد و تعالی چنین شخصیت و منش متعالی یقیناً در حریم پر قداست خانواده پویا، پر طراوت و پر عطوفت جوانه می‌زند. چرا که خانواده تنها نهاد فطری، طبیعی، بی‌بدیل و جاودانه انسان است. خانواده از نگاه ارزش‌های دینی همانند باغ پر طراوتی است که در آن زن‌ها/ مادرها باغبان این باغ هستند و شوهرها/ پدرها سنگربان و امنیت بخش وجود باغبان می‌باشند و فرزندان گل‌ها و میوه‌های پرشکوفای این باغ و بوستان زندگی محسوب می‌شوند.

آرامش، فرش و عرش بهشت برین است. آرامش یعنی تجربه خوشبختی حقیقی و انسان خوشبخت کسی است که از سویدای دل احساس آرامش نماید و همه وجودش مملو از نشاط معنوی و دل آرامی باشد. خوشبختی مقصد نیست، بلکه خوشبختی مسیر حیات است. خوشبختی را نمی‌توان در گذشته‌ها جستجو نمود و یا در فرداهای نامعلوم به امید آن نشست! خوشبختی در لحظه‌های امروز معنا می‌یابد. قدر مسلم، حاکمیت حقوق عاطفی در حریم مقدس خانواده، فقط با باور قلبی و تقید و تعهد به معنا، مفهوم و مولفه‌های حقوق عاطفی متقابل، با اندیشه آرامش‌آفرینی، مثبت‌اندیشی و امید بخشی، بخشایشگری، تالیف قلوب، گشاده‌رویی، نگاه پر مهر و کلام نوازشگرانه و رفتار پرجاذبه حمایتی و رامشگرانه در کانون خانواده و روابط زوجین محقق خواهد شد.

مبانی نظری و مؤلفه‌های روان‌شناختی حقوق عاطفی همسر و فرزندان در کانون پر مهر خانواده بر ویژگی‌ها و نیازهای فطری و طبیعی ایشان استوار است. اگر این نیازهای فطری در حریم خانواده به شایستگی مورد توجه قرار نگیرد و به نحو مطلوب در شرایط و موقعیت‌های گوناگون تأمین نگردد، یقیناً نمی‌تواند در خارج خانواده به گونه‌ای که انتظار می‌رود مورد توجه و عنایت قرار گیرد. بی‌تردید، چنانچه بخش قابل توجهی از نیازهای و حقوق عاطفی اعضای خانواده مورد غفلت قرار گیرد، به تدریج پیامدهای ناخوشایند، زیستی، شناختی، روانی و اجتماعی آن در شاکله شخصیتی و رفتارهای فردی و اجتماعی همسران و فرزندان مشهود خواهد شد. باید اذعان داشت که خلاهای عاطفی، کلافگی فکری و ناامنی روانی از اصلی‌ترین علل آسیب‌پذیری‌های فردی و کژروی‌های اجتماعی در نوجوانان است.

همه انسان‌ها، کودکان و نوجوانان، بزرگسالان و سالمندان فطرتاً محبت‌پذیر و اخم‌گریزند، تکریم طلب و تحقیر ستیزند، تأییدطلب و تکذیب‌گریزند، ترغیب طلب و تهدیدگریزند، تشویق‌پذیر و تنبیه‌ستیزند. در این معنا؛ زن‌ها و شوهرها حق دارند همیشه و در همه موقعیت‌ها، در سفر و حضر، در خانواده و خارج از خانواده برای همدیگر محبوب‌ترین باشند و از سویدای دیگر همدیگر را عمیقاً دوست بدارند. زن‌ها و شوهرها حق دارند در همه ایام در گستره هستی در آغوش عاطفی و روانی همدیگر و همواره با طهارت نفسانی، بهترین و پاک‌ترین برای یکدیگر باشند و بمانند.

فرزندان حق دارند در کانون خانواده زیباترین و خوشایندترین گل‌واژه‌های محبت را تجربه نمایند. فرزندان حق دارند همیشه شاهد کریمانه‌ترین زیباترین و پرجاذبه‌ترین رابطه‌ها بین والدین خود باشند.

فرزندان حق دارند پدر و مادر خود را با همه وجود دوست داشته باشند و از دلبستگی امن و امنیت آفرینی که با پدر و مادر خود پیدا می‌کنند، احساس نشاط و سرزندگی نمایند.

به سخن دیگر فرزندان حق دارند پدر و مادر خود را دوست داشته باشند و حق دارند پدر و مادرشان دوست داشتنی و محبوب دل ایشان باشد. بچه‌ها دوست دارند و حق دارند که شخصیت پدر و مادرشان آمیزه‌ای از عطوفت، محبت، منطق و استواری باشد و محبوب قلب‌های پاک آنان باشند. از جمله حقوق عاطفی فرزندان آن است که فرزندان از محبت و عشق پدر نسبت به مادرشان و از علاقه و شیفتگی مادر نسبت به پدرشان اطمینان قلبی داشته باشند. بچه‌ها دوست دارند یقین داشته باشند که دوستی و محبت و عشق حقیقی و متقابل والدین آنها همواره پرفروغ و ماندگار و جاودانه است. در حقیقت، باید اذعان نمود که برپایه یافته‌های پژوهش‌های جهانشمول، همواره حسن تامین حقوق عاطفی فرزندان، سرمایه ارزشمند و خمیر مایه بی‌بدیل سلامت زیستی، سلامت روانی، پویایی اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، خلاقیت‌های ذهنی، موفقیت‌های حرفه‌ای و ازدواج به هنگام و ماندگار آنان است. بدون تردید، بازشناسی مؤلفه‌های حقوق عاطفی و تعهد دوباره همه ما به حاکم نمودن ارزش‌های عرشی و ماندگار حقوق متقابل عاطفی در فضای پرطراوت خانواده یقیناً وجوب عینی دارد.

در عصر حاضر، در گستره جهان، همه زوج‌های فهیم و بصیر بیش از هر زمان دیگر نیازمند تقید و تعهد به رعایت حقوق عاطفی در حریم خانواده و فوران گل‌واژه‌های عاطفی در بوستان زندگی می‌باشند. بدون شک با تقید به حسن تامین حقوق عاطفی همسر و فرزندان، غالب کاستی‌ها و خالاهای عاطفی و روانی که زمینه‌ساز بسیاری از اختلالات عاطفی و روانی، همچون بی‌قراری و فزون‌کنشی، گوشه‌گیری و پرخاشگری و کژوی‌های اجتماعی است، ترمیم و درمان خواهد شد.

دکتر غلامعلی افروز

استاد ممتاز دانشگاه تهران